

التهار استگو



ایثارگری و از خود گذشتگی مردم خوزستان در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی و مقاومت بی بدیل آنان هنوز مثال زدنی است

لزوم ارائه راهکار عملی برای معضل گرد و غبار در خوزستان

سند مقاله با گرد و غبار نیز همچون منشور حقوق شهروندی طرحی کاغذی با کمترین میزان اثر بخشی بوده و بر این اساس بار دیگر باید یادآور شد لزوم ارائه راهکاری عملی ضروری است

به گزارش خبرگزاری فارس، الهه راستگو در یادداشتی درباره وضعیت شهروندان استان خوزستان آورده است: اگرچه ایثارگری و از خود گذشتگی مردم خوزستان در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی و مقاومت بی بدیل آنان هنوز مثال زدنی است اما متأسفانه مسئولین کشور در آیدارسازی خرمن شهر خوزستان نه تنها کمترین اهتمام و توجه را داشته اند که نسبت به انجام بسیاری از باید هائیز بی تفاوت بوده اند. تحمل خسارت های ناشی از خاموشی ها و تعطیلی مکرر صنایع و مختل شدن زندگی و حیات مردم به دلیل غلظت چند ده برابر فراتر از حد استاندارد گرد و غبار مسئله ای نیست که بتوان به راحتی به کنار آن گذشت اما نفع بسیاری از کمیته های مسئول بحران نیز مسئله دیگری است که در غبار در سازمان حفاظت محیط زیست از یک سال پیش تشکیل شده اما شواهد فراتر موجود بیانگر آنست که این ستاد نیز هم چون کمیته اضطرار آلودگی هواجز تعطیل ساختن مدارس و صنایع از عملکرد شاخص دیگری برخوردار نبوده و بر این اساس در شهری که تالاب ها و رود های آن دچار خشکی شده افزایش بیماری های تنفسی بیهوده می کند و هیچ نهادی حاضر به تدبیر اساسی است و نه عذر خواهی نمی توان به ادامه زندگی امیدوار بود. تجمع کرکات نمادین و تعطیلی مدارس و دانشگاه ها هم روز راه حل مقابله با پدیده بزرگ گرد و غبار خوزستان نیست. زمان تئوری پردازی هم به پایان رسیده و مردم مطالبه گر عملکرد دنجومی در مقابل حقوق های تدبیر از بیننده خود دانسته با تدبیری به واقع اساسی مسیر برون رفت از این چالش و معضل بزرگ کشور را بیاید چرا که مردم خوزستان امروز خاک سوه مدیریت و بی تدبیری را تنفس می کنند. وضعیت اقتصادی کشور به دلیل بسیاری از تحریم های موجود ناگوار توصیف می شود و به گفته مسئولین امر قطع برق در خوزستان ۸۰ هزار بشکه در روز در آمد نفتی را از ما می گیرد و بر اساس همین زیان ها و خسارت های جانی و مالی لازم است تا دولت با تشکیل کمیته ای از مسئولین مربوطه تئوری پردازی و مذاکره راه عملی تبدیل کرده و برای مردم مشخص سازند که به حل این مساله نظر ف چه مدت زمان امیدوار باشند و در صورت تداوم آن در آینده چهارگان و سازمانی باید مسئولیت قصور احتمالی را بپذیرد چرا که هر روز جامعه اینگونه شده که مسئولین همه طرح مساله می کنند و این در حالی است این که چه کسی باید حل مساله نماید مشخص نیست.

اما سند مقاله با گرد و غبار نیز همچون منشور حقوق شهروندی طرحی کاغذی با کمترین میزان اثر بخشی بوده و بر این اساس بار دیگر باید یادآور شد لزوم ارائه راهکاری عملی ضروری است در پایان باید تاکید کرد که هم اکنون و جهت ممانعت از داستان تکراری پاسکاری توپ مسئولیت میان دستگاهها، دستگاههای مسئول را معرفی کرده، کمیته ای متشکل از مسئولین و کارشناسانی که به هر دلیل احساس می شود در این حوزه مسئول اند تشکیل داده و زمان نتیجه را اعلام کنید تا حداقل مردمی که امروز نفس کشیدنشان مختل شده بداند من بعد از این باید تنفس و حیاتشان را از چه کسی مطالبه کنند.

ارتباط خواب طولانی مدت با خطر ابتلا به زوال عقلی

تحقیقات نشان می دهد بین خواب طولانی مدت و خطر ابتلا به زوال عقلی ارتباط وجود دارد. به گزارش اسناد در این تحقیق آمده است افرادی که هر شب بیش از ۹ ساعت می خوابند در معرض فزاینده ابتلا به زوال عقلی هستند. بیش از ۴۶ میلیون نفر در جهان به زوال عقلی مبتلا هستند و انتظار می رود این رقم تا سال ۲۰۵۰ سه برابر شود. همچنین در آمریکا بیش از پنج میلیون نفر دچار بیماری آلزایمر هستند. خطر ابتلا به این بیماری با افزایش سن بیشتر می شود. به طوری که از هر سه فرد مسن یک نفر به دلیل آلزایمر یا نوع دیگری از زوال عقلی فوت می کند. محققان دانشگاه بوستون آمریکا در مطالعه ای در یافتند خواب طولانی مدت ممکن است خطر ابتلا به زوال عقلی را افزایش دهد. در این بررسی اطلاعات مربوط به ۲۰۹۵ زن و مرد بین ۲۰ تا ۲۳ ساله در مطالعه قرار گرفت. همچنین از این افراد درخواست شد گزارشی از مدت زمانی را که به طور معمول هر شب می خوابند ارائه دهند. این افرادی مدت ۱۰ سال تحت کنترل بودند تا مشخص شود کدام یک از آنان به بیماری آلزایمر یا دیگر انواع زوال عقلی دچار شده اند. به گزارش ایسنا به نقل از مدیکال نیوز تودی این تیم تحقیقاتی در یافتند افرادی که به طور مرتب برای مدت زمان ۹ ساعت یا بیشتر می خوابند دو برابر بیش از افرادی که کمتر از ۹ ساعت می خوابند در ابتلا به این بیماری دچار شدند. همچنین تحصیلاتی بالاتر و درآمدی کمتر در ارتباط با خطر ابتلا به زوال عقلی داشته باشد.

وارد خیابان اصلی محله سعید آباد که می شویم؛ کل امکانات محله در پایین مسجد بزرگ قرار دارد. یک اژانس محلی، یک خودپرداز، یک کافی نت کوچک کل دارایی ساکنان محله سعید آباد از امکانات شهری و شهرنشینی آن هم در جنوب پایتخت است. تازگی ها هم از مقابل این شهرک اتوبوس های شترکت واحد دور می زند تا شاید یک سفر به نسبت ارزان قیمت عاید مردم بی بضاعت و فقیر سعید آباد شود... دو خط اتوبوسرانی از محدوده این محله می گذرد اما تا دو ماه پیش اتوبوس ها به جای اینکه از مقابل این محله دور بزنند از سه راه این کار را می کردند و مردم ساعت ها منتظر اتوبوس می ماندند تا شاید بتوانند سوار آن شوند... ساکنان محله برای استفاده از اتوبوس آواره می شدند... آخر سر جمعیتی که در ابتدای محله منتظر اتوبوس بودند به سه راه می رفتند تا شاید بتوانند از خدمات اتوبوسرانی استفاده کنند... شورا یاری محله پیگیر بود تا اتوبوس ها در ابتدای سعید آباد توقف کنند... به شهردار ناحیه مراجعه کردیم، اما ما همکاری نکردند... آخر سر با معاون ترافیک منطقه صحبت کردیم و ایشان مسئولان اتوبوسرانی را خواستند تا امکان دور زدن اتوبوس ها در ابتدای محله ایجاد شود... اما باز هم اقدامی در این رابطه انجام نشد؛ حمت زیادی کشیدیم تا توانستیم این کار را عملی کنیم... اتوبوس های آزادی - شاد آباد و نعمت آباد متر و خط ۱۳ از مقابل این محله می گذرد... هر چند دور زدن اتوبوس ها برای مسجد محله مزاحمت ایجاد می کند اما این کار را برای رفاه حال مردم انجام دادیم... راننده های اتوبوس ناراضی هستند که چرا اینجا باید دور بزنند اما ما نمی توانیم مردم هستیم و باید نیاز های مردم محله را بر آورده کنیم...»



هفته نامه «پدیده شهر» از وضعیت محله «سعید آباد» گزارش می دهد:

«سعید آباد» محله نیست جزیره است!

افسانه قانع | محله سعید آباد جزیره ای است در کنار بزرگراه آزادگان، جزیره ای متری و که که دور تادور آنرا کارخانه های آسفالت سازی و زمین های بایر کشاورزی ای فرار گرفته که هیچ سودی برای محله ندارد. بزرگراه شهید پروچردی نیز به مانند یک کمر بند خنثی بزرگ را در اطراف این محله به وجود آورده است. داخل محله که می شویم تعداد ساختمان های نوسازی شده انگشت شمار است و تا چشم کار می کند خانه های فرسوده ای است با مساحت ۵۰ متر که سقف برخی از این خانه ها با تیر های چوبی پلر جاست. محله ای فاقد سرانه های درمانی و خدمتی که مردمانش از اینکه داخل جزیره سعید آباد زندگی می کنند؛ خجالت می کشند. محله ای که بعد از دوندگی های بسیار به تازگی دو خط اتوبوس شاد آباد و پاسگاه نعمت آباد از مقابل آن می گذرد تا شاید مردمان بی بضاعت آن بتوانند سفر های روزانه خود را با قیمتی ارزان تر طی کنند. هر چند یک بوستان بزرگ در دل این محله که کل مساحت آن چند کوچه بیشتر نمی شود، وجود دارد اما عدم وجود امکانات ورزشی مناسب با جمعیتی که در آن زندگی می کند؛ باعث شده تا زمین های بایر اطراف محله محلی برای بازی کودکان شود... زمین هایی که در روز های سرد زمستانی هم پناهگاهی برای معنادار است.



نگاه فرودستانه به اماکن و نرم افزارهای فرهنگی

در منطقه هجده تهران تقریباً تمامی ساختمان‌های فرهنگی که متعلق به شهرداری منطقه بود در طول سال‌های گذشته تغییر کاربری داده شده و از بین رفته است. خانه جوان که یکی از اماکن فرهنگی خوب منطقه در ناحیه دو بود در ابتدا به معاونت اجتماعی منطقه هجده و پس از چندین سال به شهرداری ناحیه دو تبدیل شد. کاشکده معلم نیز که یکی از بزرگترین اماکن فرهنگی و کتابخانه‌های منطقه هجده بود با سبقت بیست سال کار فرهنگی مستمر در منطقه به دریا مانگا تبدیل شد.

بزرگترین تغییر کاربری‌های منطقه هجده اما متعلق به بزرگترین پروژه فرهنگی، مذهبی، ورزشی و تفریحی کل تهران به نام مجتمع شهید مختار سلیمانی بود. در مجتمع شهید مختار سلیمانی ساختمان حسینی به مرکز خدمات اجتماعی، سالن اجتماعات به انبار مرکزی شهرداری و ساختمان اصلی این مجتمع عظیم فرهنگی به ساختمان معاونت اجتماعی مبدل شد.

منطقه هجده اما اکنون تنها ساختمانی نیمه فعال متعلق به سازمان فرهنگی و هنری به نام فرهنگسرای خاتم را در سید سرانه فرهنگی خود داشته که آن نیز در ناحیه‌ای قرار دارد که دسترسی به آن عملی بسیار دشوار است. اگر تمام این تغییر کاربری‌ها برای ما به نظر می‌رسد دلیلی ندارد جز آنکه ما در فضای تنفسی می‌کنیم که امور غیر طبیعی در آن چندان مذموم نیست.

در این گونه موارد دیدگاه متولیان فرهنگی اعم از مدیران شهرداری، شوراییان، شورای شهر و دیگر دست‌اندر کاران بسیار مهم و تعیین کننده است. مهم آن است که ما چه دیدگاهی نسبت به این اماکن فرهنگی داشته باشیم. در بسیاری از موارد ما شاهدیم که دیدگاه مسئولین و متولیان، نسبت به این اماکن، دیدگاهی سخت‌افزارانه است.

مکانی که تنها آن در در و تخته‌اش توسط مسئولین دیده می‌شود، ارزشی جز یک ساختمان و چندین تن آن در و درب و پنجره ندارد. در این دید سخت‌افزاری ارزش یک مکان فرهنگی نیز تنها به ارزش دارایی‌های مادی و تناز آن و بتون آن است.

نکته بسیار جالب در این قسمت آن است که برای ساختن این مجموعه احتمالی بسیار جدی و بی‌گیری در میان تمام مسئولین امر اعم از شهرداری و حتی شوراییان منطقه دیده می‌شد، که هیچ کدام از آن تلاش‌ها که برای ساخت این مجموعه بزرگ وجود داشت برای حراست از این اماکن دیده نمی‌شود.

در دیدگاهی نرم‌افزارانه اما ساختمانی فرهنگی جدی از ارزش تناز آن و بتون، مکانی است که با ساخت و پرداخت انسان فرهنگی و سالم برای جامعه معنا می‌گیرد. در این معنای جدید ساختمان تبدیل به مامن و پناهگاه جامعه می‌گردد. دور از ذهن نیست که اماکن مذهبی و فرهنگی دارای ارزش و شان خاصی هستند که جامعه می‌بایست در حراست از این اماکن اهتمام خاصی داشته باشد، چرا که بدون کار فرهنگی و مکان فرهنگی جامعه به سرعت مورد هر حمله فرهنگی قرار گرفته و همبستگی جامعه بسیار سریع از میان می‌رود. باید در نظر داشت که یکی از مهم‌ترین بخش فرهنگ، ایجاد همبستگی و همگونی فرهنگی در جامعه و جلوگیری از شکاف فرهنگ‌ها

در این دو معنای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از فرهنگی اما در منطقه هجده آنچه خودنمایی می‌کند نگاه فرودستانه به اماکن و حتی عوامل فرهنگی است.

همین نگاه فرودستانه به این بخش از طرف شهرداری در ادوار مختلف، باعث شده است که ساختمان‌های فرهنگی تغییر کاربری داده شود و به ادارات مختلف شهرداری اعم از انبار اموال، دریا مانگا، شهرداری نواحی و معاونت‌های اداری شهرداری شود. در این حال روز و اما جای پرسشی بنیادین خالی است. ما به عنوان عوامل بخش فرهنگ چه مسئولیتی در قبال این نگاه فرودستانه داریم؟

آیا این نوع نگاه فرودستانه خود از عوامل جدی ایجاد آسیب‌های اجتماعی به مانند اعتیاد و دیگر موارد است؟ و در پایان چگونه است که ما بدین راحتی نظاره‌گر از میان رفتن سرمایه‌های فرهنگی خود هستیم؟



کارخانه‌ای که حال محله را بد می‌کند!

وجود کارخانه آسفالت منطقه ۱۸ هر ماه نفس مردم را بند آورده است. کارخانه‌ای که بارها شهرداری منطقه قول داده بود تا فکری به حالش بکند... کارخانه آسفالت این محدوده برای منطقه ۱۸ است که در این گوشه شهر قرار دارد... این کارخانه برای محله آلودگی ایجاد می‌کند... یک بار نیز آقای قالیباف به اینجا آمدند و به ما قول مساعدی دادند تا مشکلات محله را حل کنند... اما شش ماه این کارخانه در ورودی شهر مشکلات صدای مردم در نیاید... اما فعالیت این کارخانه در ورودی شهر مشکلات زیادی را برای اهالی به وجود آورده است...»



فقر و فرسودگی میراث مردمان سعید آباد

فقر و فرسودگی دو میراث شومی است که ساکنان محله سعید آباد را به این محله سنجاق کرده است... بیشتر مردمی که در این شهر ک ساکن هستند فقیر هستند و توان ساخت و ساز ندارند... بیشتر مردان این محله کارگر هستند و یا ساند خانه‌هایشان به نام آنها نیست... زمین بزرگ این محله برای یک فرد پولداری است که در جای دیگری زندگی می‌کند و این زمین بزرگ زراعی به حال خود رها شده است... قبلاً در اینجا باغ آلوده بوده است و تمام این باغ‌ها از بین رفته است... هر کسی که اینجا باغی داشت با خشک کردن درختانش به نوعی استفاده می‌کند...»

تخیلی باطعم ندراری!

هر چند خانواده‌های بی بضاعت در این محله زیاد هستند اما در میان این خانواده‌ها بچه‌های تخیلی‌ای هم هستند که با تمام فقر و ندراری خانواده‌شان تلاش می‌کنند تا بهترین باشند... «خانه ما فقیرانه است... سبک کمربند می‌زنم تا یک لقمه نان برای خودم و پسرمد در بیآورم... زمانی که از دواج کردم شوهرم مشکل روانی داشت... با خون و دل پسر مرا بزرگ کردم... اهل اردبیل هستم و ۲۰ سال است که تهران زندگی می‌کنم... این خانه هم برای پدر شوهرم هست... یک بچه آوردم و شوهرم مشکل روانی داشت... نمی‌خواستیم بچه او آواره کوچک و خیابان شود... پدر شوهرم سه تا خانه دارد و به ما کمک نمی‌کند... حتی گوسفند که قربانی می‌کند هم یک لقمه گوشت برای ما نمی‌آورد... ماهی ۳۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در می‌آورد... یک بار گوشت می‌خرم و سه ماه این گوشت را می‌خوریم... دو سال است که وارد این خانه شده‌ام... قبلاً زیر پله زندگی می‌کنم... سه تا کیوسک گاز روزی دو ششم می‌گذازم می‌بوم قبرستان تا بر کنم... این خانه گاز ندارد... پسر ۲۰ و جزو قرآن حفظ است... به من کمک نمی‌کند و سبک می‌زند... حتی داخل مسجد شاد آباد هم قرآن درس می‌دهد... می‌خواهد تابستان سر کار برود... با هر زحمتی که هست می‌خواهم درس بخوانم...»

تایستگاه مترو آزادی ۴۵ دقیقه راه است

تنها سهم مردم سعید آباد از نقل و حمل عمومی همان دو خط اتوبوس است که در ابتدای محله توقف می‌کند و در این محله خبری از تاکسیرانی نیست. قرار بود که بزرگراه بر جرد در هم سال قبل افتتاح شود اما کمبود اعتبار دلیل کند بودن ساختن معبر است که تا اتم آن سعید آباد از این بخت خارج می‌گردد... «۳۵ سال است که در این محله زندگی می‌کنم... اولین مشکل محله سعید آباد کمبود امکانات شهری مانند داروخانه، فروشگاه خرید مواد غذایی و میوه و تره بار است... فقط یک پارک داریم و وسایل ورزشی این بوستان را اگر خراب شود، درست نمی‌کنند... روشنی این بوستان کم است و تابستان با قاشق وسط پارک را روشن می‌کنند... انتهای زمین یک زمین فوتبال است و خودمان تور والیبال گذاشتیم و شهرداری کار خاصی نمی‌کند... زمین والیبال محله ما آسفالت است و ای کاش چمن فرسوده و گاه گلی است... این محله چون همه همدگر را می‌شناسیم امنیت خوبی دارد اما روشنی کمی دارد و در دور و اطراف مشکلاتی به وجود می‌آورد... فروش مواد مخدر و مصرف کننده مواد مخدر یکی از آسیب‌های این محله است و کار تنخواب‌های محله‌ها دیگر به این محله می‌آیند و درخت‌ها را آتش می‌زنند... هنوز بزرگراه بر جردی کامل نشده است و در خندق‌های این محله محلی برای تجمع معتادان شده است... از نظر حمل و نقل عمومی فقط دو خط اتوبوس در ابتدای این محله توقف می‌کند... مردم برای استفاده از مترو ۴۵ دقیقه طول می‌کشد تا به مترو میدان آزادی برسند... آقای قالیباف قول داد تا ۶ ماه دوم سال ۹۶ بزرگراه شهید بر جردی افتتاح شود... تابستان ها خاک‌های این اتوبان با وزش یک باد وارد محله می‌شود... اگر این اتوبان تمام شود امنیت تردد ما مشین‌ها را داخل محله ایجاد می‌کند...»



دریغ از یک مرکز خرید

بیشتر ساکنان محله سعید آباد آذری زبان هستند و زمانی که درباره مشکلاتشان حرف می‌زنند، تمایل دارند تا با همسان زبان مادری درد دل کنند... «بیشتر مردم این محله کارگر هستند و بنیه مالی خوبی ندارند... ۲۵ سال است که در این محله زندگی می‌کنیم... یک دریا مانگا داخل این محله ندارد... مشکلات این محله زیاد است... میوه فروشی و مغازه برای خرید در اینجا وجود ندارد... ۲۵ سال خادم مسجد بودم و الا اینجا مستاجر شده‌ام... واقعاً مردم این محله در رنج زندگی می‌کنند... کل محله دو تا نانویی بربری دارد و حتی یک مرکز خرید داخل این محله نیست اگر یکسب هم‌مان سر زده‌ای به خانه‌ها بیامان باید مجبور هستیم تا به اما مانگا حسن برای خرید برویم...»



به ده سعید آباد خوش آمدید!

نبود سرانه درمانی و خدماتی در محله سعید آباد زندگی را به کام ساکنانش تلخ کرده است. مردم این محله حسن زندگی در یک ده کوچک در حاشیه تهران را دارند تا زندگی در یک محله در پایتخت... «۳۰ سال است که داخل این محله ساکن هستیم... اینجا یک ده است... حتی یک کارخانه داخل این محله نیست... هیچ مطب پزشکی اینجا نیست و برای یک سرما خوردن باید کلی راه برویم تا به مرکز درمانی برسیم... باید به شاه آباد برویم... اینجا یک ده است... فاضلاب تمام خانه‌ها وارد جوی‌ها می‌شود و شهرداری تمیزی نمی‌کند... مردم اینجا فقیر هستند... معتادهای اینجا زیاد است و از خانه‌های این محله دزدی می‌کنند...»

عدم وجود روشنی و نبود بانک هم مشکلات دیگری است که اهالی این محله به آن اشاره می‌کنند... «اولین مشکل محله ما شش‌ها و روشنی‌ها ندارد... قطعی برق در این محله زیاد است... تیر برق‌های این محله فرسوده است... کل محله بافت فرسوده دارد... در این محله مغازه و فروشگاه وجود ندارد... حتی یک بانک هم در این محله نیست تا مردم کارهای بانکی خود را انجام دهند... کل محله یک عابر بانک دارد... برای کارهای بانکی باید به محله ۱۷ شهرپور برویم... اگر یک شب کار بانکی داشته باشیم باید با آژانس و یا اتوبوس به محله ۱۷ شهرپور برویم... در کل محله یک مطب کوچک دارد... در مانگا ندارد و مجبور هستیم به شاد آباد برویم... خانم‌های این محله باشگاه ورزشی ندارند... اما بچه‌های ما برای ورزش کردن هم به محله ۱۷ شهرپور می‌روند... اگر داخل محله ورزشگاه داشته باشد، تعداد بیشتری از بچه‌ها ورزش می‌کنند... از هر دو سه تا خانواده یک نفر به محله ۱۷ شهرپور برای ورزش می‌رود... اینجا یک زمین چمن برای فوتبال بازی کردن بچه‌ها وجود ندارد... یک پارک در این محله وجود دارد و شهرداری یک پارک دیگر در این محله در حال ساختن شدن است.»

خانه نشینی زنان سعید آباد

زنان محله سعید آباد از حد اقل امکانات فریعی و ورزشی نیز محروم هستند و خانه نشین شده‌اند... «زنان این محله همه خانه نشین شده‌اند... الان که هوا سرد است برای خرید کردن هم نمی‌روند باید منتظر شوهرانشان بمانند تا برای خرید به محله‌های دیگر بروند... اکثر خانه‌های این محله فرسوده است... بنیه مالی مردم برای نوسازی مردم نمی‌رسد... چند سال پیش یک خانه فرو ریخت و بیشه گردن یک نفر را برید... قرار بود خانه رویه روی مسجد را بانک کنند اما این کار انجام نشد... برای انجام کارهای بانکی باید با آژانس به محله‌های دیگر برویم... ما برای خرید یک کیلو میوه مجبور هستیم به محله ۱۷ شهرپور برویم و مهمان سر زده‌های آید عزامی گیریم که چه طوری پذیرایی کنیم... وقتی برای خرید به محله‌های دیگر می‌رویم مجبور هستیم جلوی دوستانمان خریداریم آن را داخل پلاستیک سیاه بگذاریم تا نگویند که محله شما مرکز خرید و مغازه ندارد... ما را مستخره می‌کنند... به محله‌ها جزیره می‌گویند که هیچ مرکز خریدی در آن وجود ندارد... یک پارک که می‌روی مردم دربار هم صحبت می‌کنند... مردم هر جا که می‌خواهند بروند باید با ما مشین بروند...»



کمبود سرانه آموزشی در محله سعید آباد

«خانم‌ها در این محله نه کلاس‌های آموزشی دارند و نه باشگاهی که بتواند از خانه خارج شوند. صبح فقط خانم‌ها برای پیاده روی از خانه هایشان خارج می‌شوند... قشمر جوان در این محله زیاد است و چون از خانه خارج نمی‌شوند، جاق شده‌اند... مدرسه دخترانه تا ششم نیست و برای کلاس‌های بالاتر باید به محله‌های دیگر بروند و ما مجبور هستیم برای تردد بچه‌ها به مدرسه سربوس برویم... دولت می‌گوید که با وام ۴ درصد خانم‌ها را نوسازی کنید اما وقتی مردم برای دریافت این وام اقدام می‌کنند، وام ۱۸ درصد می‌دهند و باید و کالت تمام به سازنده بدهند و مردم برای نوسازی خانه‌ها پیشان ضرر می‌بینند...»



اسم مان هست که در تهران زندگی می کنیم!



کانظم عباسی عضو اصلی شورایی محله امام رضا - سعیدآباد در ادامه نشست هم اندیشی محلات تهران با اشاره به مشکلات محله اظهار داشت: این محله از حداقل امکانات که حتی در روستاهای ما هست برخوردار نیست. این محله از آنها محروم تر است. شما الان

بروید قدم بزنید، یک مرغ فروشی، داروخانه، بیست، کتابخانه، مدرسه، راهنمایی و دبیرستان به هیچ عنوان وجود ندارد. می گویم امکاناتی که در روستاهای دورافتاده ما که یک زمانی با قاف و اسب رفت و آمد می کردند، الان امکاناتی که در آنجا هست، در اینجا نیست! اسممان هم هست که در تهران زندگی می کنیم!

انتخابات و مسائل سیاسی که تمام می شود ما هم را می شویم!
وی در ادامه خاطر نشان ساخت: در یک ماه اخیر ۴، ۵ مورد دزدی صورت گرفت، چندبار از خود نیروی انتظامی مکاتبه کردیم، آقایان زحمت کشیدند و رفتند، یک کانکس نیروی انتظامی را برای ما جایز ندانستند که به اینجا بیایم و بگویم که موثر ندرایم، شهرداری به ما موثر بدهد ما نیرو می دهیم شهرداری می گوید آن هانیز و هایشان را بیایم و بگویم که یکم و دو دیگر اینکه چون در این است افتاده ایم، قیمت خانه های ما خیلی پایین است یعنی هر چار کس آواره می ماند و وامانده می شود، به این محله می آید به همین علت ۷۲ ملت شدیم و دزدی ها زیاد شده است، نامنی و آفتاب یاد است. ما خودمان یک زمانی بچه بودیم کل محله را صبح تا شب پیاده می رفتیم و می آمدیم، یک نفر جلوی ما را نمی گرفت الان با این سن از این سهره آن طرف تر نمی توانیم برویم، واقعا جزیر است. این فعال اجتماعی خاطر نشان ساخت: زمانیکه بحث انتخابات و این موارد می شود، می آیند و جلسه می گذارند، صحبت می شود، ولی انتخابات و مسائل سیاسی که راه می شود، ما هم را می شویم و دیگر رسیدگی نمی شود! کارخانه آسفالت بود که مناسل و هزار نوع بیماری بود، اینجا بود. و تمام ضرر آن برای ما بود، بعد آسفالت آن بالا شهر می رفت و فلان جا هزینه می شد بعد خدمتکار عارض هستیم که یکی خیابان ۷۶ متری شهید بروجردی است، زودتر راه بیفتد و مسالز این مهلک بصرن بریم، یک مورد دیگر اینکه یک خیابان به نام جانیان، اگر ادامه آن باز شود، خیلی عالی می شود.

چشم گفتن مسئولان شهری دنباله اجرایی ندارد!
عباسی افزود: شهرداری هم حقیقتا ما به صورت گفتار در مانی رفتار می کنند، هر چیزی می گویم می گویند چشم، هیچ کدام هم نمی گویند که اجرایی کنیم! چشم را می گویند ولی حقیقتا دنباله ندارد! موارد دیگر که در حد تابلو راهنمایی و راهنمایی، می گویم که بزنید، اینجا یک طرفه شود یا ماشین توقف نداشته باشد و اتوبوس دور بزند، خدا شاهد است یک تابلو هم به ما روانی دادند، آن موقعی که بحث حساسیت مملکت است، می آید عکس می اندازد و صحبت ها پیشان را می کنند، وقتی این موارد تمام می شود، ما هم به یاد فراموشی سپرد می شویم!



محله «سعیدآباد» یا به تعبیر اهالی محله جزیره «سعیدآباد» مقصد بعدی ما در محله گردی هایمان بود. حقیقتا محرومیت در این محله مصداق دارد. ابتدا به میان شوراییاران صمیمی و دوست داشتنی این محله و سپس مردم خوش رفتیم. آنچه در زیر می آید، حداقل کاری است که ما می توانیم در قبال این مردم خوب انجام دهیم. شوراییاران و اهالی محله به فرحان این گزارش خیلی خوش بین بودند که بخشی از مشکلات آنها توسط مسئولین دیده شود.

راننده های شرکت واحد هم سختشان است خدمات بدهند!



رستم سرداری شوراییار قدیمی و پرکار محله نیز در این نشست گفت: برای رضای خدا و آسایش شهرک نشینان زحمات زیادی را متحمل شده است. از تلاش برای اسفالت شدن بخشی از مسیر گرفته تا کشاندن خط اتوبوسرانی و راه اندازی این خط هر چند که راننده های اتوبوس هم زورشان می آید به این جزیره بیابند. وی در ادامه خاطر نشان ساخت: راننده های اتوبوس زورشان می آید که به

اینجا بیایند! تا زمانی از راه می آید و مسافرها را پیاده می کند و برمی گردد! الان ایستگاه اتوبوس هم داریم، چند روز پیش اینجا (جلوی مسجد) ایستگاه اتوبوس زدیم، الان راننده های اتوبوس می آیند و زن و بچه مردم را نصف راه پیاده می کنند! مادر کشیده بود اشاره کرد و افزود: سه شبانه روز در شرکت گاز خوابیدیم، اینجا را اصلا نقاشی برداری نکرد بودند! آقای بی طرف، اینجا بود، برادرش رئیس شرکت گاز بود، هم پیاده کنید! این اتوبوس ها خیلی اذیت می کنند!

آخر من پیش او رفتم، گفتم مهندس ما چه کار کنیم، محله برت است، نه نفتی دارد و نه هیچ چیز دیگری! گفت فلائی اینجا در نقشه نیست! گفتم مهندس ما باید چه کاری انجام دهیم، بالاخره بنا راهنمایی که کرده بودند و همکاری دوستان در ضمیمه هستیم این چه وضعیتی است؟! روز در شرکت گاز خوابیدیم، اینجا را اصلا نقاشی برداری نکرد بودند! آقای بی طرف، اینجا بود، برادرش رئیس شرکت گاز بود، چهار دانگه مرا ۱۵ دقیقه زندانی کردند،



صبح پیراهن سفید پوشیم غروب نوک مدادی می شود!



عباس فرماتی جانشین شوراییار محله حضرت امام رضا (ع) - سعیدآباد، نیز در نشست هم اندیشی جالش ها و فرصت های محلات تهران از مشکلات محله گفت و افزود: عمده مشکل محله ما کارخانه آسفالت است. در بررسی شاخص های آلودگی بالاترین آلودگی را این محله در کل تهران دارد! چرا؟ به علت وجود کارخانه آسفالت، یعنی اگر ما صبح پیراهن سفید پوشیم، غروب نوک مدادی می شود!

کارخانه آسفالت محله را رتبه اولی کرده در آلودگی هوا!
وی در ادامه افزود: ماشین ها را شما ببینید به چه وضعیتی است، وارد خانه ها شوید و فرش ها را ببینید، به چه وضعیتی است! وضع خانه ها، کل آن ها خیابان بروجردی و آقای نعمت الهی ۷۶ متری که اشاره کرد الان در حدود ۳۰، ۳۵ سال است که مادنیال آن هستیم، از زمان تهیه طرح تفصیلی قدیم دنبال آن بودیم و پیگیری کردیم تا شوراییار ها شکل گرفتند.



شوراییار در این محله نقش رئیس جمهور را دارد!
این فعال اجتماعی خاطر نشان ساخت: ۱۶ سال پیش شوراییاری شکل گرفته است که در دوره اول آن بنای ساخت مسجدی به نام علی بن موسی الرضا (ع) گذاشته شد که با پیگیری های آقای سرداری و دیگر دوستانی که بودند، توانستیم مسجد را در آنجا قرار دهیم و تأسیس شود. الان یکی از بهترین مساجد تهران است. خود آقای قالیباف هم تشریف آوردند آن را افتتاح کردند. از این باب از ایشان ممنون هستیم، همه مردم محله ممنون هستند.



مشارکت و مراجعه اهالی محله به سراپایین است!



فاطمه شکری مدیر محله سعیدآباد در ادامه نشست هم اندیشی محله از مشارکت و مراجعه پایین اهالی محله سخن گفت و افزود: چون شناختی از سراسر محله یا مشارکت‌ها ندارند فکر میکنند که این سرا مشکلاتشان را کاهش نخواهد داد به این علت که تاکنون چنین چیزی در این محله نداشتیم. اگر کسی می‌خواست از اینجا به محله محله‌های دیگر برود باید یک بعد مسافتی را طی می‌کرد و همین که اعصاب آدم را خورد

می‌کند چون اتوبوس ها دوستان توضیح دادند، یا نمی‌آیند و یا اذیت می‌کردند اگر هم می‌آیند خیلی اذیت می‌کردند، خیلی وا فرود: چون شناختی از سراسر محله یا مشارکت‌ها ندارند فکر میکنند که این سرا مشکلاتشان را کاهش نخواهد داد به این علت که تاکنون چنین چیزی در این محله نداشتیم. اگر کسی می‌خواست از اینجا به محله محله‌های دیگر برود باید یک بعد مسافتی را طی می‌کرد و همین که اعصاب آدم را خورد

به نسبت جمعیتی که داریم، بسیار پایین است. سعی می‌کنیم که مشارکت اهالی را به سمت خودمان بکشانیم.
بانوان این محله جایی برای تفریح و ورزش ندارند
وی در ادامه با اشاره به اینکه در مورد سنجش عدالت تاکنون چیزی در خواست نشده است از مشکلات محله در بخش بانوان، سخن گفت و افزود: مهم ترین مشکل آن‌ها این است که اصلا هیچ جایی

برای تفریح ندارند! یا حتی ورزش اصلا در ناحیه مساخلی کم است. مکان ورزشی یا تفریحی برای خانم‌ها باشد، در منطقه آمدن یک پارک بانوان زندگی، ولی آنقدر از کل منطقه دور است که در ولی عصر است، حتی ساکنان ولی عصر هم نمی‌توانند از آن استفاده کنند چون ماشین خود نیست و باید یک اتوبوس در خواست از شهری در بدیم که باید اینجا حالا ما به خانم‌ها بگویم بیا باید سوار شوند به پارک بانوان امنی نیست!

و عده آقای شهردار!



محسن زکی زاده دبیر شورایاری محله سعیدآباد ادامه نشست هم اندیشی بررسی جانش ها و فرصت‌های محلات تهران پیش از آنکه در دلش از مشکلات محله باز شود، از شهیدای محله و شهردار تمش گفت و خاطر نشان کرد: محله ما ۱۱ شهید دارد که نمونه‌های بارز

آن شهیدان اعتماد فرست که فرمانده گردان بوده و عکسش در کتاب سوم ابتدایی که برچم به دست دارد جاودانه شده است. دوم، شهید شیخ است که ایشان خلبان بودند، سوم، شهید جوان و خیلی پر دل و جرات شهید باقری، حتی رواندا هستند که اسامی او را یکی از خیابان‌های ما بگذاریم و نام او را بنویسیم.

وی در ادامه از اسرار و جانباختن محله یاد کرد و از رشادت‌هایشان تقدیر کرد که تمام راه را حتی امروزمان و امنیت کشور است.

تشکر و قدر دانی کنیم که رفتند که در راه اسلام و قرآن و از مملکتمان پاسداری کردند تا امروز بنشینیم خیلی راحت صحبت کنیم و پارلمان‌های محلی مان اخیلی راحت تشکیل بدیم.

این شورایاری فعال و دلسوز محله از تعامل با مدیریت شهری سخن گفت و افزود: متأسفانه جداسازی محله ما زمانی رخ داده است که شهرداری بودجه خیلی پایینی دارد و وضعیت اقتصادی مملکت خیلی رو به سامان نیست. همین موارد باعث شده کمتر به محله ما رسیدگی شود. شاید اگر ۸ تا ۱۰ سال پیش محله ما جدا می‌شد، الان اینجا که بودیم، نبودیم و در یک جایگاه بهتر بودیم. بهار معلمان حداقل چندساعت از حقوق ما بماند سرتانه در مانگاه کنی تا خود ورزشی عالی تر داشته‌یم.

آقای قالیباف قول دادند که این خیابان را به شهید میر و چرندی تمام شود

وی در ادامه در خصوص مشکلات کارخانه آسفالت سازی گفت: آسفالت سازی از فاز ۲ که فاز ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰،



تهران

مدرسه، کابوس بچه‌های نوروژ آباد

کل محله نوروژ آباد را یک پیکر بید؛ یک مدرسه پیدا نمی‌کنید. مدرسه برای نوروژ آبادی‌ها یک رویای برآورده نشده است؛ «... از ۵۰ سال پیش تا الان این محله یک مدرسه نداشته است... حتی پیر مردهایی که در این محله زندگی می‌کنند، به یاد دارند که برای درس خواندن مجبور بودن به محله‌های دیگر بروند... سه نسل از ساکنان این محله با این مشکل روبه‌رو بوده‌اند... بچه‌های محله نوروژ آباد از همان دوران پیش دبستانی تا دانشگاه مجبور هستند تا در محله‌ها یا مناطق همجوار به مدرسه بروند... خانواده‌هایی که فقر هستند نمی‌توانند هزینه کرایه رفت و آمد بچه‌هایشان را به مدرسه بدهند؛ مجبور هستند تا بچه‌ها را از ادامه تحصیل محروم کنند...» چند سال پیش زمین کارخانه ایران جوجه که ۴۸۰۰ متر مساحت داشت توسط شهرداری منطقه خریداری شد و از سال گذشته قرار شد تا ۴۰۰۰ متر زمین بزرگ را که کنار کاروازی محله قرار گرفته تبدیل به مدرسه شود... دنبال یک خیر هستیم تا بیاید برای ما در این زمین زمین بسازد... مدرسه دخترانه و پسرانه در این محله وجود ندارد... حتی دبستان ابتدایی نداریم و باید به محله‌های دیگر بروند... این زمین برای شرکت ایران جوجه بود... با بهسازی توافق کردند و از این محله فرستادند... از این جور زمین‌های بزرگ در این محله زیاد است... شهرداری این زمین‌ها را تملک می‌کند برای استفاده‌های خودش... حتی در این زمین‌ها اقدام به ساخت سالن ورزشی و سالن اجتماعات برای مردم محله نمی‌کنند...»

کمی جلوتر از زمین ایران جوجه یک کارخانه بزرگ بستنی‌سازی قرار دارد؛ کارخانه‌ای که هر چند مشغول به کار است اما اهالی محله می‌گویند که صاحب این کارخانه به دنبال انتقال کارخانه‌اش به جای دیگر و تبدیل این زمین بزرگ به مجتمع مسکونی است... «قرار است در زمین این کارخانه مجتمع مسکونی ۱۷۰ واحدی ساخته شود... همین مجتمع هم اگر ساخته شود؛ نیاز به سرانه آموزشی دارد اما سرانه‌های مورد نیاز این مجتمع‌ها توسط انبوه‌سازها تامین نمی‌شود...»



نبرد ایستگاه تاکسی در محله نوروژ آباد

زنان محله نوروژ آباد محکوم به در خانه ماندن هستند... حتی تاملی ندارند تا در محله و بوستان‌هایی که در این محله ایجاد شده قدم بزنند... زنان محله نوروژ آباد نه‌جای تفریح دارند نه هرگز برای خرید کردن... «۲۵ سال است که در این محله ساکنم... از همان موقع که بچه‌ها به مدرسه نداشتند و به سختی ادامه تحصیل دادم تا دیپلم بگیرم... اینجا حتی یک خط تاکسی یا توبوس ندارد و از بزرگراه تا داخل محله مجبور هستیم پیاده‌یابیم... شب‌ها یا صبح‌های خیلی زود این مسیر خیابان هلال احمر برای زنان شایسته‌تر است... تمام بافت مسکونی این محله هم بیشتر خرابه است... این محله هیچ امکاناتی برای خانمها ندارد... اگر می‌خواهید به خانم‌های اینجا کمک کنید، به شهرداری بگویید اینجا یک خط تاکسی و توبوس بگذارد...» نژادیک به ۲۰ سال است که در این محله زندگی می‌کنیم... بچه‌هایمان یک مدرسه ندارند و مجبورم تا دختر و پسر هم را به جای دیگری بفرستم تا تحصیل کنند... یک ایستگاه خط واحد درست و حسابی هم در این محله وجود ندارد... یک مرکز بهداشت و داروخانه هم نداریم و باید مسافت زیادی برویم تا دکتر برویم... فشار آب شرب محله هم پایین است و آب در طبقات بالاتر تامین نمی‌شود... زنان چیزی در این منطقه ندارند و محروم هستیم و مجبوریم همیشه در خانه بمانیم... داخل پارک‌ها هم معتاد بر است... از محله‌های دیگر بفرستید اینجا می‌آیند، زنان معتاد هم هستند... یک بازارچه می‌خواهیم... مرکز خرید و مغازه در نوروژ آباد موجود ندارد... این چند تا سوپرمارکت‌ها هم تازه ایجاد شده است... بنویسید نوروژ آباد یک دهات در تهران است...»

سهند؛ بوستانی برای آرامش معنادار

دو سال پیش بود که بوستان سهند با سلام و صلوات توسط یک شهردار جوان افتتاح شد. افتتاح این بوستان قرار بود به پای تأمین سرانه‌های فضای سبز و تفریحی مردم محله محروم نوروژ آباد توسط خبرنگاران ثبت شود. اما در دو سال گذشته این بوستان به با تعلق معنادار و اراذل و اوباش تبدیل شده است... «پارک‌هایی که اینجا ساخته شده مرکز اراذل و اوباش و محل تجمع معتادها تبدیل شده است... خانواده‌هایی ترسند وارد این بوستان شوند... بوستان آقدر تاریک است که خانواده‌ها حتی برای گذشتن از مقابل این بوستان ترس دارند...»

مجتمع‌های مسکونی بزرگ بالای سر فقرا

کمی بالاتر از سرای محله نوروژ آباد ۸۶۰ واحد مسکونی بزرگ به رنگ قهوه‌ای و گرم تنها نقطه مدرن شده محله فرسوده نوروژ آباد است. هر چند در چند خیابان این محله مجتمع‌های مسکونی وجود دارد؛ اما در کنار هم قرار گرفتن چند ساختمان غول پیکر توجه‌ها را به خود جلب کرده است... «۸۶۰ واحد مسکونی در اینجا ساخته‌اند و سرانه‌های مورد نیاز این ساختمان‌ها را ایجاد نکرده‌اند... آن طرف تر هم کارگاه ماشین‌های تراش و سنگین قرار دارد... اینجا قفاق شهرداری مجوز ساخت مجتمع‌های مسکونی می‌دهد و به سرانه‌های آن توجهی ندارد... با یک نگاه می‌توان فهمید که ۵۰ درصد از ساکنان این محله فقر هستند و درگیر مشکلات این محله شب‌ها در تاریکی مطلق است و حتی تیرهای چراغ برق این محله چراغ ندارد تا مسیر راه ساکنان این محله در شب مشخص باشد... شما خانه‌هایی که داخل بافت فرسوده محله قرار دارد را ببینید، می‌فهمید که چند درصد از مردم محله نوروژ آباد فقیر هستند... تا الان ۲۰۰ خانواده بی‌ضاعت شناسایی شده‌اند و اگر خیلی کمک کند؛ آذوقه به در خانه‌های این خانواده‌ها فرستاده می‌شود و اگر خبرها کمک‌کننده که هیچ... خیلی از خانواده‌های اینجا حتی هزینه ۱۰ هزار تومانی کلاس‌های ورزشی سرای محله ندارند و بی‌پارادانه می‌آیند پدر و مادرشان را در خانه‌ها با یک کلاه می‌پوشانند...»

خانه‌های یک به یک فرو می‌ریزند

خانه‌های فرسوده از یک سو و ساخت و سازهای غیر مجاز در محله نوروژ آباد جان خانواده‌های زیادی را به خطر انداخته است... شغل بیشتر مردان محله نوروژ آباد بنایی است و یک هفته می‌آید یک طبقه غیر مجاز به خانه‌شان اضافه می‌کنند... چند روز پیش بود که با یک نشتی گاز و انفجار ۳ خانگی رخ داد... یک خانه دو طبقه منفجر شد... ۴ خانگی داد هم ۳ تاجیه و دو تا بزرگتر بودند...»

قمار بازی تنها تفریح نوجوانان

تفریح نوجوانان محله نوروژ آباد قمار کردن یا تیله‌های شیشه‌ای، قلیون و مواد است... اینجا بچه‌ها قمار بازی و تیله بازی می‌کنند... زمین چمن زرد رنگ هم بزرگترها داخل بازی می‌کنند... اگر زمین بازی داشته باشیم می‌رویم فوتبال و والیبال بازی می‌کنیم... یک باشگاه ورزشی در محله نداریم... تنها ورزش سالم ما قمار بازی است و کشیدن قلیون... بچه‌های این محله از ۱۳ سالگی سیگار می‌کشند...»



محله‌ای که قضایی ندارد

با آسفالت‌رنگ و رو گرفته و خاکی مشرف به خیابان اصلی است. انتهای خیابان سرای محله «نوروژ آباد» در محوطه‌ای خالی بنا نشده با نامی «کمیوزت تفریح‌های... کوجه‌ها به بن بست‌های رسد و خانه‌های یک طبقه و دو طبقه با مترهای پایین چهل پنجاه متری، وسط خانه‌ها کارگاه‌های صنعتی قرار گرفته‌اند... جلوی در خانه‌ها نخل‌ها، خنجرها، تندانه‌ها، چادرهای رنگی، دمی‌های پلاستیکی و پاهای خنجرها در محله خرابی از آرایشیگاه، باشگاه‌ها، خلیج‌های دیگر نیست... کم دارد... «نوروژ آباد» برخلاف اسمش، بومی‌ها نژاد است... دوزن چادر رنگی نشسته‌اند بر لبه سیمانی و داغ خیابان و آن یکی با پلوز و دامین و شولار بالای سرشان ایستاده... بچه‌های خردسال اطرافشان می‌پلکنند... می‌گویند: «بوی اینجا مشکلات زیاد دارد... به خدا می‌خواهم بریم آذری، باید پیاده بریم تا چهارراه خلیج فارس... اینجا توبوس سوار شیم بریم آذری... باید پیاده بریم و بیایم... اینجا توبوس به ساعت می‌دهد... ساعت ۱۰:۰۰ تا ۱۰:۳۰ می‌آید... مدرسه ندارد... وضعیت اقتصادی اینجا خوب نیست... پایین شهر دیگه خودت که می‌دونی... اینجا همه مثل همین... باز هم سوال با سوال تکرار می‌شود... تکرار می‌شود... «گوشت و مرغ نه و الا نمی‌رویم... نداریم که بخوریم... جبهه اون سید کالا خوب بود ولی انگار جمعش کردن... باز هم همه و سرهایی که به نشانه‌ها باید بالا و پایین می‌روند... میوه‌ها ما شین به خاطر همین کم‌تهی دستیم»



آسیب‌شناسی فضای مجازی کودکان؛ چرا و چگونه؟

با توجه به دشواری کنترل فضای مجازی و ورود انواع و اقسام اطلاعات متفاوت به این حوزه، نظارت بر محتوای این شبکه‌ها بسیار سخت‌است؛ این روزها یادمانده‌های متولی‌الانکه به نظارت‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی نقشی در خور برابر با حداقل سندن ضلعات احتمالی ایفا کنند.

به گزارش گروه پژوهش و تحلیل خبری ایران، با پیدایش فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی برای کودکان و نوجوانان به مراتب پیش‌از بزرگ‌سالان است. به‌طور کارشناسان شبکه‌های مجازی کودکان و نوجوانان را زندگی واقعی دور کرد و دنیای غیر حقیقی می‌کنند این موضوع فرایند جامعه‌پذیری و دیگر مسائلی مربوط به حیات اجتماعی کودکان و نوجوانان را با مخاطره‌ر به‌رو خواهد ساخت. آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند برای کنترل و کاهش آسیب‌های ناشی از حضور قشر کودکان و نوجوانان در فضای مجازی تسلیلی این امر با دشواری در نظر داشتن اینک نمی‌توان با این فضا برخورد مناسب داشت؛ به‌ویژه خود در خصوص آگاهی‌رسانی و آموزش جامعه عمل کنند در این زمینه «سعید معیدفر» جامعه‌شناس استاد دانشگاه گرفت و گویا گروه پژوهش و تحلیل خبری ایران نیز این نکته مهم تاکید کرد که برای آسیب‌شناسی مسایل اجتماعی از جمله آسیب‌شناسی فضای مجازی و کاهش مخاطرات آن، باید به کارشناسان مربوطه از جمله جامعه‌شناسان و سایر متخصصان اجتماعی فرصت و فضای کافی تحقیق و اظهار نظر در دایره‌های کارشناسان اجتماعی آنان استیصال و استفاده کرد.

آسیب‌شناسی فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان

«مجیدپوری» روانشناس و آسیب‌شناس اجتماعی نیز در گفت‌وگو با گروه پژوهش و تحلیل خبری ایران درباره آسیب‌های فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان گفت: کودکان که به فضای مجازی وارد دنیایی می‌شوند که با جهان حقیقی آنان بسیار متفاوت است. در فضای مجازی اتاق‌های بدون کنترل و بدون نظارت، کودکان و نوجوانان را به سوسوی خود می‌کشند و بازی‌های بدون مدیریت و کنترل در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.

بهری در خصوص عوارض جسمی استفاده‌شده‌های مجازی برای کودکان و نوجوانان افزود: بلوغ زودرس، هیجان‌های فزاینده، تنش‌های روحی، اضطراب، کابوس‌های شبانه و فشارهای عوارض ورود کودکان و نوجوانان به فضای مجازی است. «کاربری کنترل نشده کودکان و نوجوانان در فضای مجازی باعث آزار و آذوقه‌شنینی گسست روابط عاطفی و اجتماعی، دوری از دوستان و همسالان، کناره‌گیری از بازی‌های فیزیکی و در نتیجه کج‌رویی فکری آنان می‌شود»

بهری با تاکید بر اینکه هیجان‌های فزاینده ناشی از کاربری در فضای مجازی موجب بلوغ زودرس کودکان و نوجوانان می‌شود، افزود: در حال حاضر بلوغ نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۳ سال زودتر اتفاق می‌افتد این بلوغ زودرس باعث افزایش شعور جنسی کودکان شده در برخی موارد رفتارهای جنسی نادره با آنان در پی روابط جنسی نامشروع و غیرعادی رخ داده.

نقش خانواده‌ها و نهادهای متولی در کاهش آسیب

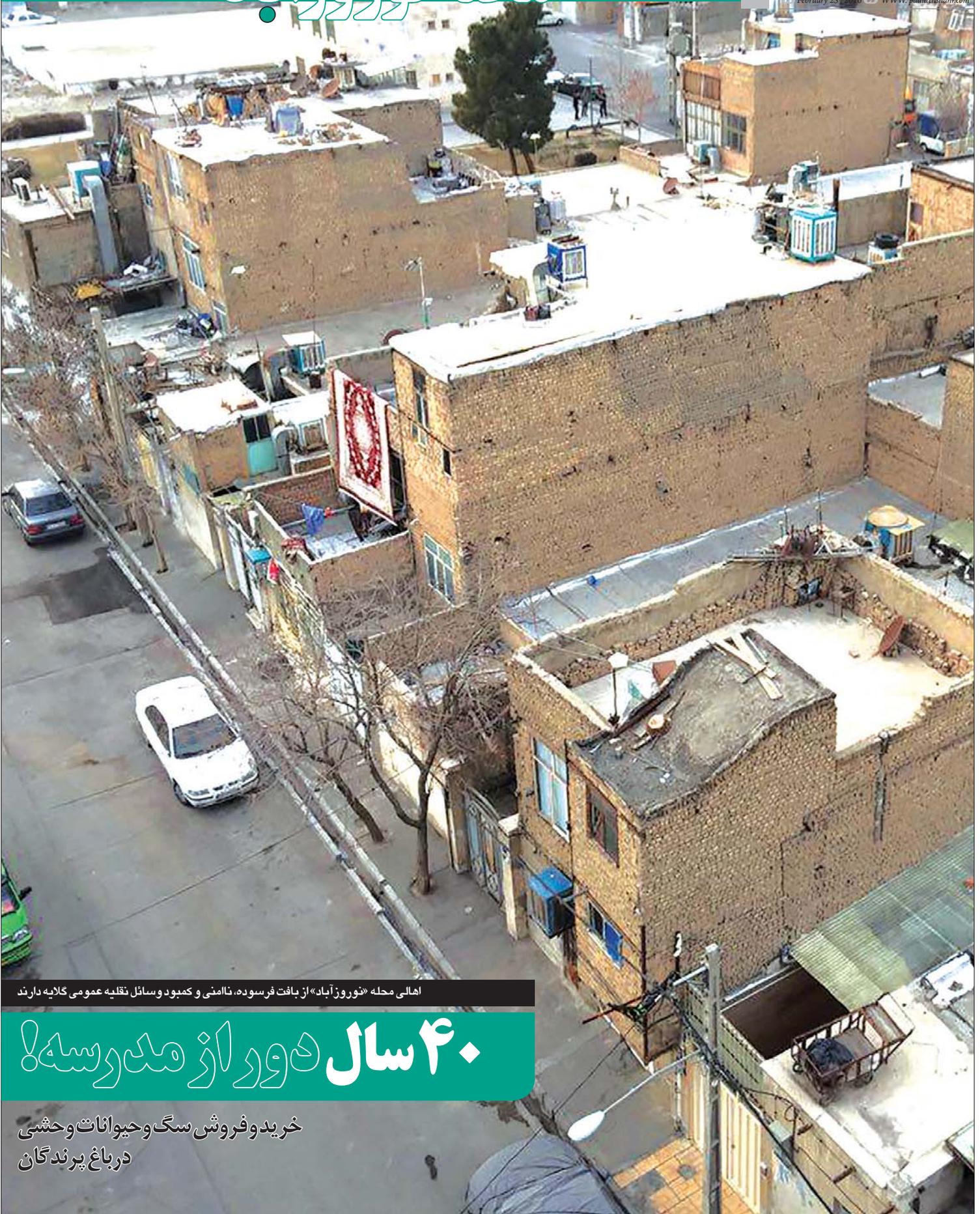
قبل از ورود هر گونه فن‌آوری به یک جامعه باید بستری فکری و فرهنگی و کاربردی آن فناوری فراهم شده این موضوعی است که به‌بهری به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «خانواده‌های متولی این سواد را آماده‌سازی کنند در غیر این صورت عوارض و آسیب‌های فناوری‌های جدید خیلی بیشتر از فایده آنها خواهد بود. به‌عبارت‌دیگری یکی از این فناوری‌ها که این روزها بسیار فراگیر و گسترده شده فضای مجازی است. فضای مجازی در پنج سال گذشته در ایران با سرعت زیادی همه‌گیر شده و آسیب‌هایی که در گریبان خانواده‌ها و فرزندان آنان از سنین چهار سال به بالا را گرفته است. تاکید بر ضرورت توجه به این آسیب‌ها دیگر محورهای مطرح‌شده به‌بهری است و می‌گوید: «متأسفانه والدین به‌جای سنجش و کنترل فعالیت کودکان خود در فضای اینترنت و شبکه‌های مجازی، به زبان به تشویق آنان می‌گشایند به طور مثال افتخار می‌کنند که ۹ ساله‌ها به‌کار بردارانه مسلط است. اینجاست که کودک تشویق شده از زندگی حقیقی خود در جامعه دور ایجاد سرگرمی‌های مناسب‌سنی، آموزش‌ها و بازی‌های منطقی باطیف سنی کودکان و نوجوانان. باید امکانات نشاط و سرگرمی فرزندان خود را فراهم کرد، رسانه‌ها و نهادهای متولی نیز موظف هستند با واقع‌بینی در زمینه فناوری‌های جدید، دست‌های فرزندان را از فناوری‌های مضر آموزشی‌آبرای خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان فراهم آورند.

فرهنگ سبکی و فعالیت

مدیر فرهنگ و تندرستی تهران گفت: «کامروزه خواسته‌ها پانچواسته، جامعه‌ها تمام گروه‌های سنی با فضای مجازی و به‌بهری در آن روز به‌رو شده‌است. گفتن این‌ها را به‌فرهنگ‌های اینترنتی از جمله شبکه‌های مجازی مانند دیگر امکانات فرهنگی، بخشی از زندگی مردم شده و درسی‌ها پانچوادو فرایند مردم‌آزمایی‌آنها می‌باشد.

به‌گفته‌ی وی به‌جای جان‌زندن بر تکرار این‌ها در مورد آسیب‌های فضای مجازی باید فرهنگ مصرف‌گرایی، استفاده‌ی بومی و زوئل تخنیک‌ها را کنترل کرد. نظارت‌ها آسیب‌شناسان و تخنیک‌ها در امور اجتماعی استفاده کنیم. امورا اجتماعی باید به‌تولیان و کارشناسان این امور سرپرده‌دشو و فضا فرای فعالیت‌تخنیک‌ها اجتماعی گشودندر شود.

محله نوروزآباد



اهالی محله «نوروزآباد» از بافت فرسوده، ناامنی و کمبود وسائل نقلیه عمومی گلایه دارند

۴۰ سال دور از مدرسه!

خرید و فروش سگ و حیوانات وحشی
در باغ پرندگان

فقر بیداد می کند!



فایده شیرمحنتی، مدیر قرآن و عزت یافت آباد جنوبی نیز در این نشست از چالش های پیش روی محله گفت و افزود: بزرگ ترین مشکلی که در این محله دیدم، این بود که جسات مذهبی و قرآنی آن توسط خانم های اداره می شود که واقعا تجربه و وسواد خوبی ندارند!

سوابق آن هواسابق قدیمی و خرافه است. این خرافه ها دارند به مردم محله انتقال می دهند. بچه ها البته هم نسل جوان را بر سر می کشند. چون می آیند در این جلسه نمی نشینند گروه سنی ۷-ساله به بالا طبیعتا با اعتقادات قدیمی جوش نمی خورند و حتی فرای هم هستند. اکثرا مولودی راه به صورت غلط به دیگران انتقال دادند. خوب به غلط ماری به غلط آموزش می بیند و عینا آن راه به خانواده انتقال می دهد. اگر ما یک مرکز قرآنی در اینجا داشتیم و طبق مولودی که دوستان اشاره کردند، یک سرای محله داشتیم که ما می توانستیم روی آن برنامه ریزی کنیم و بنویسیم آن راه عنوان مرکز قرآنی باشد که تمام احکام ها و تفاسیر قرآن ها و خوانی و تجویز و همه موارد که به اعتقاد و مذهب های ما مربوط می شود که بتوانیم به آنجا و مردم انتقال بدهیم. فکر می کنم که محله ما خیلی بهتر از این می شد به قول دوستان اعتیاد باین می آمد و اراد و اوایش از زمین می رفت.

دختران محصل از دستار اکل را از پوشش اشیت کنار داد

این فعال دینی اظهار داشت: بزرگ ترین مشکل موقع تعطیل شدن مدارس است. متأسفانه ما مبتنی بر احسان نمی کنیم. وقتی مدارس بسته می شود، متأسفانه اراد و اوایش آن ها را خیلی اذیت می کنند. حتی من خودم به عینه دیدم که کیف بچه ها را از آن های می گیرند و اذیت های دیگری می کنند یا هانت های دیگری می کنند این مولود خیلی مضطرب و مشکل است. این خودمان برویم بچه من اینجا درس نمی خواند ولی مولودی که دیدم دارم می گویم. یا مادر ما وظیفه دارند خودشان بچه ها شان را به خانه برند. یا به هر حال تشر و ناراحتی این بچه ها به خانه بانشان می رسد. خیلی اذیتی می شوند.

فیشی در محله و بیانی از بی نظمی که کن شده است

شیر محمدی در ادامه گفت: مشکلی که در محله ما می آید این است که مدراس ما هنوز نتوانستند علت آن هم این است که بچه متأسفانه مردم ما اینجا بی بضاعت هستند، مولودی که هست برای درمان اعلام می شود. تهیه کنند، ندارد. برای مثال خانمی می آید با راجعه می کند می بینیم اگر این بیماری چندسال پیش مداوا می شد، خیلی برای آن بهتر بود. وقتی آن ها می برسیم چرا بی نظرم نشدند. می گویند من همیشه داشتم و داشتیم که داشتیم ما به علت همین مسائل صدمه بیشتری خوردند. محله ما لحاظ فقر بیداد می کند!

وجود ۷ میلیون بانوی ورزشکار ۵۰ درصد پزشکان زن هستند

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده گفت: در حال حاضر هفت میلیون زن ورزشکار داریم و نیمی از جامعه پزشکی زنان تشکیل می دهند. به گزارش خبرگزاری مهر، شهیندخت مولاوردی در دومین گردهم آیی علمی حوزه سلامت افزود: توجه ویژه دولت مردان و تصمیم گیران جمهوری اسلامی به مساله زنان، موجب شده است که سلامت زنان به یک موضوع خاص تبدیل شود و اکنون ۴۹ درصد از پزشکان ایران از زنان تشکیل می دهند. وی خاطر نشان کرد که در ۳۳ درصد دانش آموزان رشته های پزشکی در رشته های تخصصی و ۲۷ درصد دیگر در عرصه فوق تخصصی مشغول هستند که این نشان دهنده توجه ویژه مسئولان و استقبال خوب بانوان در عرصه پزشکی است. وی به فعالیت بیش از ۴۴ هزار کارشناس بهداشت و پرستار در عرصه درمانی کشور نیز اشاره کرد و اظهار داشت: رشد ۴۰ درصدی پزشکان عمومی، ۴۰ درصدی پزشکان فوق تخصص، ۹۹ درصدی پزشکان زنان و زایمان در سال های اخیر قابل مشاهده است و طبق آمارهای ۵۶ درصد دانشجویان دانشگاه دولتی و نیمی از متخصصان بانوان است و ۵۰ درصد این دانشجویان دختر در رشته های پزشکی تحصیل می کنند. مولاوردی همچنین به جامعه زنان ورزشکار در کشور اشاره کرد و افزود: بیش از هفت میلیون نفر در این عرصه فعالیت دارند. در ۸۸ هزار مربی و ۵۸ هزار داور ورزشی در کشور فعالیت دارند. وی بیان اینکه زنان ایرانی دارای توانمندی ها و ظرفیت های مختلفی برای ورود به بازار کار و اشتغال در عرصه اقتصادی هستند اظهار داشت: به دلیل شغلی که بانوان در این عرصه دارند باید برای ارتقاء مهارت های خود به یادداشتن شاخص های کیفی و استانداردهای صورت گیرد. معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری گفت: همچنین زنان ایرانی از اقبال و تجاریت در سطوح مختلف ملی و منطقه توجه خاص دارند و حمایت از بازار کار، تقویت توانی های زنان و حمایت از زنان بازار کار در سطح ملی و منطقه ای از جمله سیاست های دولت است.



هفته نامه «پدیده شهر» وضعیت محله یافت آباد جنوبی را بررسی می کند:

خانه های فرسوده و قفی

میراث محله ای ۴۰۰ ساله

امینیت در محله یافت آباد جنوبی وجود ندارد

نیو امینیت و حسن ان شهباتر س به جان مردم این محله قدیمی می اندازد: «۱۹۰ سال است که در این محله زندگی می کنیم. اینجا مشکلات زیادی دارد... شب ها امنیت در این محله نیست. دزدی و جابه جایی مواد در این محله مرسوم است. در اطراف معنات کارکنان انتخاب زیاد است... خیلی راحت خرید و فروش مواد انجام می شود. من که ۱۱ شب مغازه کار می کنم خیلی راحت این خرید و فروش و معتادان را می بینم. امنیت این محله ندارد. چند شب پیش جوی خانه ما شین من را خالی کردند. هنوز نیوسازی خانه ندارد (مشکل اقتصادی دارم)»

یک به یک اهالی محله دور ما جمع می شوند تا مشکلاتشان بگویند از دزدی و اعتیاد و خفت گیری ها که امنیت راه و اراه های مانوس برای اهالی محله تبدیل کرده است: «حدود ۲۵ سال است که در این محله زندگی می کنیم. دزدی و اعتیاد بزرگترین مشکل این محله است. در روز و شب خانه ما خالی کردند... رفتن ما گداز قاضی من ام محکوم کرد. در درازنندان بیهوش گاه رفتن که این در زمزمهر نیست و باید سریع ترین پرورد هسته شود. داخل کوچه های بار یک مو تورو تورو های آبی و پندوری خاتم هازماحتیاجی می کنند صدا می تو تورا اراش را می زارند. دست. دزد در این محله زیاد است و به راحتی ماشین های مردم را خالی می کنند. شهرداری محله را خوب تمیز نمی کند»

زمین های کشاورزی در میان بافت مسکونی

هنوز نشانه های زمین های زراعی در میان محله یافت آباد جنوبی وجود دارد. زمین های که محله را چند پارچه کرده است و گوسفندان که در گوشه این زمین مشغول چرا هستند: «زمین های خالی این محله کشاورزی انجام می شود. این زمین را به افغانی ها چاره می دهند تا سوزی کار می شود. در کنار این زمین معتادان مواد می کنند. برخی از خانه های این محله معتادان به راحتی رفت و آمد می کنند و مواد می کشند... کاربری این زمین های بزرگ کشاورزی است که داخل بافت شهری قرار دارد. در این زمین ها سوزی می کارند و آب های آلوده برای آبیاری این زمین ها استفاده می کنند... افراد خانواده های بی بضاعت در این محله زیاد است و نمی تواند هزینه کند تا بچه های خود را به پارک ببرند. برخی از خانواده های اینجا جفت کفش برای او تا بچه می خریدند»

نشنگی با طعم سبزی

در کنار زمین های زراعی معتادان در دنیای هیروئ خود هستند. زنان و دامی که زندگی خود را در لای همان کافل زورق و پایپ به بهای خماری از دست می دهند: «اسم مریم هست. ۴۰ ساله هست. متولد سال ۵۵ هجری است. اسر سوزا و همسرم. عرب آبادی هستیم. سه تا بچه دارم. دنبال عروس می گردم. پسرم در سن سالی کاری می کند. دخترم هم پدر سه است. شیشه می زیم. بچه های ما داند که موادمی کشم. جلوی بچه ها موادمی کشم. اما می داند که قیافه ما تغییر کرده است. دخترم کار می بیند و او پسر هم به من گرمی دهد. دخترهای ما داند که موادمی کشم. دختر بزرگم نامزد دارد و دختر کوچکترم ۱۰ ساله است. ۸ ماه پیش ترک کرده ام. سه تا بچه دارم. ۱۸ ساله بودم که ترک و یک سوزی می کشم. شیشه ۱۰ ساله است که می کشم. شوهر من در خط مصرف مواد انداخت. حامله بودم و دندان در دلمش شوهرم دستم را می گرفت و دو دو مدار به صورت می فرستاد. دختر من به من دارونی داد. تا دلت بخوای معتاد در این محله زیاد است... برخی از زن های معتاد در این محله بچه های خودشان را می فروروشند. دو هفته قبل یک نفر می گفت که یک خانواده ای که فقیر بودند سه تا بچه داشتند و مستاجر بودند. پول نداشتند چشمان را فروختند و خوششان شد. بچه های در می شد حتما بچه های فروختم. یک خانم باردار هست و زن زینته است. شوهرش ندانسته است. دو هفته پیش که صحبت فروش بچه ها می گفت می خواور بچه ها را ببندد. اما اون دختر می خواور بچه ها را به دیباپور دتا فروشد. خودت اگر بچه می خری یا اون دختر صحبت کنم که بچه اش را بفروشد. یکدستی هم منم بد»

آناهیتا اسفند عبادی | یکی از مهم ترین چالش های شهری در دنیای امروز مسئله فرسودگی شهری است. بخش های فرسوده غالباً هسته های نخستین و قدیمی شهر ها را تشکیل می دهند. فرسودگی شهری انواع متعددی دارد و در شهر های مختلف، متفاوت است. در شهر تهران پس از تعریف بافت فرسوده و تصویب آن، بسته های تشویقی متعددی برای افزایش نوسازی در آن مناطق ارائه شد. با این حال پس از گذشت چندین سال بخش هایی از شهر همچنان از مشکل فرسودگی رنج می برند. این بخش ها غالباً قسمت های ویژه ای از شهر را در بر می گیرند، و مشکلات ریشه ای از جنسی غیر کالبدی دارند که به نظر می رسد تا آن مشکلات حل نشود، نوسازی شهری در آن مواضع رشد نمی کند. بافت آباد با قدمتی طولانی در جنوب غرب شهر تهران واقع است. این محدوده اکنون شامل دو محله یافت آباد جنوبی و شمالی است و دارای بافت متنوعی است. با اینکه معیار پیچیده و کم عرض است، روند تصویب و نوسازی در آن به نسبت سایر محلات منطقه ۱۸ و شهر تهران کندتر است. در راستای مشخص شدن علت عدم نوسازی در این محدوده، مطالعاتی از اسناد کتابخانه ای و پیمایش های میدانی انجام و ضمن آن مشخص شد، غالب املاک موجود در این محدوده فاقد سند رسمی هستند و مالکین به صورت قولنامه ای املاک را خریداری کرده اند. در نهایت پس از تحلیل های متعدد این نتیجه به دست آمد که این موضوع مهم ترین عامل عدم نوسازی بافت فرسوده در یافت آباد است. نتایج سند رسمی در این محدوده مشکلات زیادی نظیر: ارائه سطح اشغال کمتر، به مالکین قطعات قولنامه ای نسبت به قطعات سند دار، عدم ارائه و امه ای نوسازی به دلیل نداشتن سند رسمی، پایین بودن قیمت نسبی املاک قولنامه ای و ... برای مالکان ایجاد کرده است. این موارد فوق العاده بی ثباتی در تعالی مالکان به نوسازی و در نتیجه افزایش فرسودگی شهری کند شدن پروژه های شهری مثل اصلاح معیار، و مهمتر از همه تخلفات ساختمانی بسازند گاه که به باز تولید بافت فرسوده منجر می شود. رادر در دارد که همگی موجب فرسودگی در این محله می شود.

یافت آباد نام خود را از خانان یافت آباد گرام گرفته است. خاندانی از سلسله زندیه که همه را آقا محمد خان قاجار به تهران آورد و اطراف بلده ساکن شدند پس از فوت محمد شاه بنامه شد حاج میرزا آقاسی به شاه عبدالعظیم، و حدود ۱۵۰ قایل ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه قاجار این زمین های بکر و خالی را سکنه (تصاحب) این یافت آباد (به معنی بافت) املاک را کرد و بعد از یک ربعی آخرین خان محله یافت آباد تهران بزرگ خاندان و کدخدای یافت آباد بود. او که فردی با وساد بود و به مردماری شهرت داشت، پس از تلاش بسیار موفق شد برای برخی از زمین های یافت آباد سنداعمالی بگیرد. اکنون بعد از گذشت قرن ها یافت آباد از دیمستولان پنهان مانده است. محله ای که به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده و در میان این تقسیم بندی آنچه نسبت ساکنان یافت آباد جنوبی شده است بافت فرسوده، کارگاه های حمل سازی، زمین های زراعی و کارگاه های ریخته گری و ضایعات جمعی است. اگر در زمان های قدیم یافت آباد به باغ ها و انگور مشغول بود اما بسیاری از این باغ ها توسط افراد سودجو خشک شده و به محلی برای دپوی ضایعات آهنی تبدیل شده است. املاک بدون سند و قفی، بودن زمین بسیاری از املاک این محله مشکل دیگری است که اهالی این محله قدیمی با آن روبرو هستند: «دار و اوقاف در املاک و زمین های این محله سه دار. زمان فرمان فرمایان زمین های این محله وقف شده است. ۸۰ درصد از زمین های این محله قفی است. از خان های بزرگ بودند. بیشتر کارگاه های تولید میل در یافت آباد جنوبی قرار دارد و از میل در یافت آباد شرقی است. در میان ورودی یافت آباد جنوبی هم کارگاه های ریخته گری و تعمیر کارگاه های خود رور قرار دارد»

زمینی که سه بار ساخته شد

شورابری محله یافت آباد سرای محله و دفتر شورابری ندارد. البته از ۸۶ شهرداری منطقه قبل داده بود تا زمین ۵۰۰ متری که داخل این محله قرار دارد یک مرکز فرهنگی و سرای محله ساخته شده اما ساخت این زمین که از همان سال گذر دارد ریخته شده است. هنوز به نتیجه نرسیده است. آقاسی معطایی دبیر شورابری محله در این بار می گوید: «این زمین ۵ هزار متر در ملک شهرداری است. از سال ۸۶ اینجا تکلیف رها شده است. قرار بود اینجا سرای محله و دارالقرآن و مرکز فرهنگی برای محله بسازند. از سال ۸۶ این زمین بعد از گذشت ۱۰ سال رها شده است. از آن سال ۸۴ در شورابری هستم و در این ده سال هفته و ماهی نبوده که زمین را بگیری نکنم. وعده های کن می دهند. یکسری می گویند در مشارکت ها قرار داریم و یکسری می گویند که خودمان تا زمین اعتبار کرده ایم. در محله ما هیچ گونه مرکز فرهنگی وجود ندارد. اینجا برای بار سوم تا کف ساخته شده و بعد تر خراب شده است. هر بار که شهر کار در این منطقه تعمیر می کند یک بار این ساختمان تا کف ساخته می شود و بعد شهر را بعدی خراب می کند. شاید مشکل فنانسیون بوده است. الان اکثریت بر نامه های شورابری در این محله انجام می شود قرار بود سرای محله داشته باشد. دفتر شورابری و سرای محله ندارد. بعد از اتفاق های ناخوشوار هم جمع می شویم»

باغ های خشک شده یافت آباد جنوبی

یک زمانی باغ های انگور محله یافت آباد معروف بود اما اکثر این بیابان ها به زمین برای دپوی ضایعات تبدیل شده است. «باغ های اینجا متأسفانه یکسری افراد سوزا جابین می برند برای دپوی آهن ضایعات. باغ انگور در این محله قرار داشته است. هنوز باغ های انگوری و شلیل و سیب در این محله وجود دارد. هست اما خیلی تعداد این باغ ها کم شده است. یافت آباد از دید مسئولان پنهان بوده است. سابقه این محله از پیشتر تهران بیشتر است. قدیمی های می گویند که این محله ۴۰۰ سال قدمت دارد. یک دهی بوده که قلعه بالا قلعه پایین داشت... ساخت و سازهای غیر مجاز از آسیب های محله یافت آباد جنوبی است. «اینجا ساخت و ساز غیر مجاز نیز انجام می شود. توجه به اینکه ملک های اینجا از آن ساکنان بزرگ مجوز نوسازی ملک فرسوده خودشان را ندارند. یک شبه یک طبقه به خانه خود اضافه می کنند. برای مردم نوسازی خانه های ۵۰ متری صرف نمی کنند. همه اتفاقات غیر مجاز یادان یک زیر میزی قابل حل است. مثلاً اینجا برخی از خانه ها عقب نشینی داشته اند و برخی دیگر این کار را برای تعریض خیابان ها نکردند. جلوی برخی معاز ها که غیر مجاز در حیاط خانه ساخته شده، شهرداری بلوک قرار داده است. اما برخی از معاز ها بدون عقب نشینی غیر مجاز کاری می کنند و شهرداری به آنها کاری ندارد. وقتی به شهرداری گلابی می کشیم، می گویند من برای خودش بوده معاز ساخته است. اما جلوی برخی معاز ها لوگ گذاشته اند و می گویند که تخلف کرده است. دو هفته فرسوده در کوچ و پس کوچ باز است در خیابان میر هاشم و مصطفی هاشم بافت فرسوده بیداد می کند. اکثر خانه ها ۵۰ متری و در سه طبقه ساخته شده است و جمع هم نمی کنند»

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
- سرمدیر: عابدین سالاری اسکر
- معاون سردیر: افسانه قانع
- مدیر اجرایی: عبدال... سالاری
- مدیر هنری: گلنوش مریخی
- نگارگر: مهدی هادی
- چاپ: سلام
- توزیع: نشر گستر امروز

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

پوچی از مزیت های کارت طلایی

امداد با این بلیت به مدت یک سال از جمله مزایای کارت طلایی است. در صورتی که خودرو دچار نقص فنی شده و شما در هر کجای ایران نیاز به کمک داشته باشید کفایت تنها با شماره ۰۹۶۴۴۰۰ تماس گرفته و در زمان تقریبی ۳۰ دقیقه منتظر امدادگران ماهر امداد خودرو ایران باشید. بدون اضطراب بدون دغدغه. فراگیری و دسترسی بودن از دیگر ویژگی ها و مزایای کارت طلایی است که امکان بهره گیری از پوشش نمایندگی های مجاز گروه صنعتی ایران خودرو در سراسر کشور و ارائه خدمات استاندارد را برای مشتریان فراهم کرده است. کارت طلایی خسارت قسمت های زیرین خودرو را هم پوشش می دهد. در صورتی که به بخش زیرین خودرو شما به هر دلیلی آسیب ببیند، کارت طلایی با توجه به ضوابط خسارت شما را مرتفع می کند. همچنین به خساراتی که طی آن هزینه های تعمیر قسمتهای آسیب دیده از ۶۰٪ ارزش خودرو قبل از حادثه بیشتر باشد و با امکان بازسازی آن به تأیید کارشناس این شرکت نرسد و یا اینکه مدت تعمیر بیش از حد پیش بینی شود، اطلاق می شود. در این صورت امداد خودرو ایران طبق ضوابط خود و با نظر مشتری اقدام به تعویض کلی خودرو می کند.

با نوسوار، خودرو تو سوار شوید

سال هاست از زمان ساخت خودرو و شما گذشته و کارت طلایی خود را بارها تمدید کرده اید. حال کم کم به فکر افتاده اید که خودروی خود را تعویض کنید اما این روزها خرید یک خودرو صفر برای اغلب خانواده های ایرانی آن هم بدون تسهیلات ویژه، عملیاتی سخت به حساب می آید. از این رو شرکت امداد خودرو ایران در راستای تکریم مشتریان وفادار خود طرحی را با عنوان طرح «نوسوار» آغاز کرده است. در این طرح شرکت امداد خودرو ایران اقدام به «فروش اقساطی خودرو با احتساب نرخ سود ویژه» کرده است که شامل دارندگان محصولات گروه صنعتی ایران خودرو که حداقل به مدت دو سال متوالی مشتری یکبار از سطوح کارت طلایی امداد خودرو ایران باشند.

امداد خودرو ایران خدمات خود را ضمانت می کند

امداد خودرو ایران سال هاست تمام هم و غم خود را بر تکریم تمام و کمال مشتری قرار داده و در صدد ارائه خدماتی بی نقص است. اما باز هم اگر شما مشتری عزیز از هر خدمات از این مجموعه ناراضی بودید کفایت با شماره ۰۹۶۴۴۰۰ تماس گرفته و نظرات خود را بیان کنید. لازم به توضیح است که با ارائه کد پیگیری، شکایت شما در هر مرحله قابل پیگیری است. تمامی خدمات کارت طلایی از امداد گرفته تا تعمیرات و جبران خسارت و خدمات اولیه و قابلیت طرح شکایات نیز در صورت ناراضی بودن مشتریان برای ایشان وجود دارد.



حالا واقعا نامه؟ یعنی کارت طلایی بگیرم؟

نیم تگاهی تنها به تیرهای این مطلب هم شاید برای متقاعد کردن شما رانندگان آینده نگر کافی باشد تا تلفن را برداشته و با ۰۹۶۴۴۰۰ تماس گرفته و یکی از مشتریان امداد خودرو ایران شوید. امداد خودرو ایران از خانواده بزرگ ایران خودرو به مانند همراهی مطمئن در تمامی نقاط کشور تنها به دنبال آرامش رانندگان است. با این خدمات شما دیگر نگران اطلاعات کم فنی خود، نبود لوازم بدکی، جبران خسارت از تصادفات احتمالی و ده ده دغدغه دیگر نخواهید بود.

آیا هنوز تردید دارید؟

به سایت امداد خودرو ایران مراجعه کرده و بای یکی از دفاتر بازاریابی ما تماس گرفته و سوالات خود را مطرح کنید.

امکانی ویژه برای محصولات ایران خودرو

خدمت از نوع طلایی

همه می دانیم که حادثه خبر نمی کند. شاید در یکی از ۸۰۰ هزار حادثه رانندگی که سالانه در ایران اتفاق می افتد شما هم متضرر شده باشید. اما آیارهلی برای جبران این خسارات وجود دارد؟ اگر سواری یکی از محصولات ایران خودرو هستید و یا قصد خرید یکی از آنها را دارید، حتما این مطلب را بخوانید. امداد خودرو ایران شرکت بزرگتر مجموعه گروه صنعتی ایران خودرو، برای این گونه اتفاقات تمهیدات ویژه ای اندیشیده است:



تعمیرگاه در محل! هر جایی که من بخواهم! ممکنه؟!!

به منظور رفاه حال مشتریان؛ برای انجام سرویس و خدمات تعمیراتی خودرو در محل زندگی و یا کار، خدمت سرویس و تعمیرات سیار در محل، توسط امداد خودرو ایران ارائه می شود که شامل ارائه ۱۲ نوع خدمت از جمله انجام سرویس های دوره ای، سرویس های تابستانی و زمستانی، انجام تعمیرات مربوط به سیستم خنک کننده، انجام تعمیرات مربوط به سیستم سوخت رسانی، انجام تعمیرات مربوط به سیستم برق و الکترونیک، انجام تعمیرات مربوط به سیستم ترمز، انجام تعمیرات مربوط به سیستم کلاچ (به جز دیسک و صفحه کلاچ)، تعویض باتری، دینام، انژکتور، رادیا تور، قفل، سنسور روغن و... و انجام تعمیرات مربوط به تزئینات و... است.

این خدمت کارت طلایی شامل خودرو من نیز می شود؟

اگر شما سوار بر یکی از محصولات ایران خودرو هستید که طول عمر وسیله نقلیه زیر ۱۰ سال است، جواب شما بدون شک «بلی» است. اما به این نکته توجه کنید که برخی خودروهای گروه صنعتی ایران خودرو از زمان تحویل خودرو به مدت یک سال تحت پوشش این خدمت هستند؛ محصولاتی همچون گروه پژو پارس، رانا و سمند.

چرا کارت طلایی؟

شاید با تمامی این توضیحات برای برخی از رانندگان این سوال پیش آید که چرا باید کارت طلایی تهیه کنیم؟ خدمات کارت طلایی و سرویس های امدادی چه مزیتی نسبت به سایر خدمات مشابه دارد. با توجه به وجود شرکت های خدماتی دیگر در خصوص امداد، خدمات خودرویی، حمل و جبران خسارت کلی و جزئی، کارت طلایی چه مزیت رقابتی نسبت به آنها ایجاد کرده است.

کارت طلایی! چی هست؟

هدف امداد خودرو ایران این است که تنها نگرانی شما، انتخاب لباس مراسم باشد که بدان دعوتید. نه نگرانی سرویس های دوره ای خودرو و نگران داشتنه باشید و نه دل نگران حادثه ها و تصادفات پیش بینی نشده باشید. به همین منظور این شرکت، خدمات جبران خسارت و فراتر از آن را تحت عنوان کارت طلایی و سرویس های امدادی را به صورت طبقه بندی شده از سال ۱۳۸۰ به تعداد محدودی از خودروهای تولیدی شرکت ایران خودرو ارائه کرد و پس از استقبال این خدمات کارت طلایی در سطح تمامی خودروهای تولیدی ایران خودرو این خدمات قابل ارائه شد. از مهم ترین خدمات کارت طلایی می توان به جبران خسارت ناشی از حوادث، سرقت کلی و جزئی، سرویس های امدادی و حمل خودرو (در صورت عدم امکان راه اندازی در محل) در تمامی شهرها و جاده های کشور، راه اندازی تلفنی و مشاوره فنی، ارائه سرویس های ادواری و نگهداری بر اساس استاندارد، تضمین قطعات و خدمات ارائه شده در هر سطحی و تعویض خودرو در حوادث و سرقت اشاره کرد.

کارت طلایی انواع مختلفی دارد؟

کارت طلایی امداد خودرو ایران در حال حاضر در پنج سطح مختلف که شامل کارت طلایی سیال و کارت های طلایی یک تا چهار ستاره است. عمده خدمات کارت طلایی شامل باسختگویی به در خواست مشتریان، راهنمایی و راه اندازی تلفنی، اطلاع رسانی، پیگیری امور مشتریان، مشاوره فنی، انجام فعالیت های امدادی به صورت شبانه روزی، حمل و جابجایی خودرو و انتقال سرنشینان به صورت رایگان و ارائه خدمات های ادواری و نگهداری، تعمیرات در محل و خدمت در محل طبق تعرفه های تعیین شده است. برخی خدمات نیز مانند هزینه خواب یا تعویض خودرو در خسارت کلی و... طبق ضوابط موجود آرایه می شود. (تصویر خدمات در پیوست گزارش موجود است)

چه نیازی به سرویس دوره ای داریم؟

باور کنید خودرو شما به غیر از بنزین به مراقبت های نیز احتیاج دارد. مواردی همچون تعویض روغن موتور، شمع موتور، لنت ها و ده ها مورد دیگر که با پیش تمامی و تعویض به موقع آنها برای افرادی که مشغله ایشان زیاد است کمی عذاب آور است. اما نیاز به نگرانی نیست. کارت طلایی این مشکل شما را حل کرده است. دیگر نگران سرویس های دوره ای خودرو و نگران نیا باشید. در سطوح دو ستاره کارت طلایی و بالاتر از آن، این خدمات به نحو شایسته ای در نمایندگی ها و یا حتی درب منزل و یا محل کار شما قابل انجام است.

